خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۵ آبان ۱۳۹۴ . ۱۳ محرم ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۱۰۴

پنجمین شب عزاداری در محضر رهبر انقلاب برگزار شد

پنجمین شب مراسم عزاداری حضرت اباعبدا... الحسین علیه السلام، با حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی، در حسینیه امام خمینی(ره) برگزار شد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت ا... خامنه ای، در این مراسم، حجت الاسلام و المسلمین سید احمد خاتمی سخنرانی و آقایان مرتضی طاهری و سعید حدادیان، مرثیه سرایی و نوحه خوانی کردند.

خبر

شناسایی دهکده‌های ۷هزار ساله در لرستان

ایران

بررسی باستان شناسی دشت سیلاخور لرستان، به‌شناسایی دهکده‌های ۷ هزار ساله منجر شد. آن‌طور که «احمد پرویز»، سرپرست هیئت‌شناسایی دشت سیلاخور به‌روزنامه ایران می گوید، این بررسی‌ها با هدف تهیه نقشه و پراکندگی آثار باستانی و میراث فرهنگی این دشت پهناور انجام شد. وی مهم‌ترین شاهد وجود دهکده‌های ۷ هزار ساله را، سفال‌های «متقدم منقوش» معروف به «سفال‌های باغ‌نو» خرم‌آباد دانست. باغ‌نو خرم‌آباد، تپه باستانی است که به گفته «پرویز» در سال‌های پیش از انقلاب توسط هیئت‌های باستان شناسی آمریکایی کاوش شده است. سفال باغ نو حداقل به ۵ هزار سال قبل از میلاد برمی گردد. به گفته «پرویز» سومین فصل بررسی‌های دشت سیلاخور، باستان‌شناسان را در چند محوطه به سفال باغ نو خرم‌آباد رسانده است. این سفال به جغرافیای لرستان اختصاص دارد و بعد از خرم‌آباد، در دشت سیلاخور دیده شده است. پرویز و همکاران او وجود همین سفال در دشت سیلاخور را نشانه‌ای بر وجود دهکده‌های ۷ هزار ساله در این دشت می‌دانند. او می گوید: «این سفال‌ها نشان داد که حوزه پراکندگی آن فقط مختص به خرم‌آباد نیست و به مناطق سرد و شمالی استان هم رسیده است.» او کشف روستاهای ۷ هزار ساله و وجود این سفال‌ها را نقطه‌ای کلیدی در کاوش‌های آینده می‌داند که به باستان شناسان نشان می دهد چه مناطقی مکان مناسبی برای دهکده‌های قدیم (۷ هزار ساله) بوده‌اند. احمد پرویز تا به امروز سه فصل بررسی در دشت سیلاخور انجام داده است که به گفته خودش، شناسایی ۵۶۰ اثر از جمله نتایج این بررسی‌هاست: «آثار بیشتر شامل تپه، قلعه‌ها، امامزاده‌ها، تأسیسات بین راهی و حمام‌ها هستند.» دو فصل اول، در سال ۸۲ و ۸۶ انجام شده است. این بررسی‌ها به شناسایی لایه‌ها و موادی از دوره مس و سنگ (میانه و جدید) که از ۵ تا سه هزار سال پیش از تاریخ را شامل می‌شود منجر شد. محوطه‌های دوره پارتی (اشکانی) که ۲۲۰۰ سال قدمت دارد نیز گسترش بسیار زیادی دارد.

جنگل سازی در «دبی»، جنگل زدایی در ایران

قانون

این روزها در حالی که همسایه اماراتی ما در فکر ساخت جنگل مصنوعی در بیابان‌های لم‌یزرع دبی است؛ ما به‌شدت در حال نابودی جنگل‌های خدادادی کشورمان هستیم. از یک سو، به‌دلیل توسعه سدسازی و طرح‌های اشتباه انتقال آب بین حوضه‌ای و استقرار مدیریت نشده صنایع، روند بیابانی شدن ایران را سرعت بخشیده‌ایم و از سوی دیگر، انتظار درآمد بالای اقتصادی از منابع آب و خاک کشوری داریم که در کمربند خشک جهان قرار گرفته است. به گزارش نشریه «نشنال»، چاپ امارات، جنگل بارانی دبی، هر چند از آن به‌عنوان مرکز فرهنگی و آموزشی برای آشنایی با انواع گونه‌های گیاهی و جانوری جنگل‌های مناطق حاره تعبیر شده، اما در اصل یکی دیگر از پروژه‌های بلند پروازانه امارات در ایجاد بزرگ‌ترین و بهترین و اولین و برترین‌های گردشگری، به گونه مصنوعی، در جهان است. زیاد الجار، مدیر عامل پروژه، صراحتاً به این موضوع اشاره می کند و می گوید: «دبی به‌خاطر جاذبه‌های برتر خود در سراسر جهان مشهور است و جنگل بارانی دبی، یکی دیگر از این جاذبه‌هاست که موجب رشد شهر دبی خواهد شد.»

■ **جنگل‌های استوایی دبی، جایگزین جنگل‌های ایران**

این جنگل مصنوعی که تحت عنوان پروژه «آکویا اکسیژن» آغاز شده و قرار است تا قبل از سال ۲۰۲۰ تکمیل شود، یک زمین وسیع گلف نیز دارد. به گفته الجار، این جنگل مصنوعی طوری طراحی شده است که محیط طبیعی جنگل‌های بارانی را، که ۶ درصد سطح زمین را پوشش می‌دهند، بازسازی کند. به‌نظر می‌رسد امارات از هم اکنون در طرحی راهبردی در راستای توسعه گردشگری، به استقبال نابودی جنگل‌های طبیعی ایران می‌رود که احتمالا سیل گردشگران طبیعت‌دوست ایران و ثروتمند ویلانشین شمال را در سال‌های آینده روانه جنگل مصنوعی و خانه‌های لوکس در پروژه جنگل سازی «داماک» کند. جالب آن که دکتر علی القبلاوی، استادیار دانشگاه شارجه و مدیر پروژه بانک بذر و مجموعه گیاهان خشک در امارات، اعلام کرده است که تامین آب کافی برای حفاظت از این پروژه به احتمال زیاد در محیط بیابانی اقدامی ناپایدار است. او گفت: «چنین پروژه‌ای، یعنی به چالش کشیدن طبیعت برای ایجاد یک جنگل مصنوعی در فضای بیابانی، بسیار سخت و دشوار است؛ زیرا برخلاف درختچه‌های صحرایی و درختان بومی که با استفاده از فناوری‌های مختلف، برای زنده‌ماندن با مقدار اندک آب سازگاری یافته‌اند، ادامه بقای یک جنگل بارانی، حتی پس از ساخت موفقیت‌آمیز آن و تأمین مقادیر بسیار بالای آب و حفظ رطوبت در زیر محیط گنبدی این جنگل مصنوعی از طریق تبخیر آب، بسیار دشوار است. زیرا بسیاری از باکتری‌ها و قارچ‌ها که بسیاری از آن‌ها به‌شدت خطرناک است، در محیط‌هایی گرم و مرطوب و بسته رشد می کند. بنابراین باید قبل از شروع این پروژه بررسی‌ها و ارزیابی‌های زیست محیطی انجام شود.»

■ **از هر هزار هکتار یک هکتار کاهش جنگل در کشور**

اخبار مربوط به ساخت جنگل‌های مصنوعی در کشورهای مختلف در حالی منتشر می‌شود که خبرهای خوبی از کشور ما به گوش نمی‌رسد. چندی پیش رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور درباره جنگل‌زدایی در ایران گفت: طی ۱۰ سال گذشته سطح جنگل‌های کشور ثابت نبوده و روند کاهشی داشته است؛ به گونه‌ای که در این بازه زمانی، وسعت جنگل‌ها با کاهش ۱۴ هزار هکتاری مواجه شده است که نشان می‌دهد در این مدت از هر هزار هکتار، یک هکتار کاهش سطح داشته‌ایم. خدا کرم جلالی، معاون وزیر جهاد کشاورزی، با بیان این که سطح جنگل‌های کشور ۱۴ میلیون هکتار است، افزود: ارزش جنگل‌های ایران و جهان از دو منظر بازاری و اکولوژیکی قابل بررسی است که ارزش اکولوژیکی یک جنگل یا یک اصله درخت، معمولاً سه برابر ارزش بازاری آن است. ارزش برخی از گونه‌ها و درختان که در تخریب و تصرفات غیرقانونی مورد ارزیابی قرار می گیرد و جرایم نقدی آن از متخلفان دریافت می‌شود، تا ۴۰ میلیون تومان، برای هر درخت نیز، محاسبه شده است؛ به گونه‌ای که ارزش بازاری یک درخت می‌تواند بسته به نوع چوب و ارزش آن در بازار تا ۱۰ میلیون تومان برسد که به‌اضافه ارزش اکولوژیکی سه برابری آن، حدود ۴۰ میلیون تومان ارزش دارد.

■ **یک هزار میلیارد تومان خسارت سالانه بیابانی شدن**

وی خسارت سالانه ناشی از پدیده بیابانی شدن را حدود یک هزار میلیارد تومان ذکر کرد و گفت: هفت میلیون هکتار کانون بحرانی در کشور شناسایی شده است. در حال حاضر برآورد دقیقی از خسارت ناشی از حرکت شن‌های روان وجود ندارد و اگر ابعاد مختلف موضوعاتی نظیر پدیده گرد و غبار را بررسی کنیم، خسارت‌های سنگینی دارد. اما برآوردهای اجمالی نشانگر آن است که خسارت سالانه ناشی از پدیده بیابانی شدن در کشور حدود یک هزار میلیارد تومان است.

■ **دو برابر آن چیزی که کاشته‌ایم، جنگل‌زدایی کرده‌ایم**

همچنین، محمد درویش، مدیر کل دفتر آموزش و مشارکت مردمی سازمان حفاظت محیط زیست، درباره بیابان‌زایی در ایران گفته است: طبق گزارش‌های یکی از نمایندگان مجلس در کمیسیون اصل ۹۰، طی ۲۵ سال گذشته دست کم ۴ میلیون هکتار از اراضی منابع طبیعی تغییر کاربری پیدا کرده است. این در حالی است که سازمان منابع طبیعی کشور در طول عمر ۱۲۵ سال خود تنها دو میلیون هکتار جنگل کاری کرده، یعنی بیش از دو برابر آن چیزی که کاشته، جنگل‌زدایی کرده است و نکته جالب توجه اینجاست که تمامی این تغییر کاربری‌ها با مجوز انجام شده‌اند. این امر نشان‌دهنده این است که متأسفانه، سازمان منابع طبیعی و محیط زیست به‌رغم اینکه قدرت‌های لازم قانونی دارند، اما عملا از قدرتی برای ایفای نقش خودشان برای حفظ محیط‌زیست برخوردار نیستند.

■ **بیابان‌زایی به‌دلیل توسعه سدسازی و طرح‌های اشتباه انتقال آب**

تشدید بیابان‌زایی و خشکسالی ممتد، به‌دلیل توسعه سدسازی و طرح‌های اشتباه انتقال آب بین حوضه‌ای، استقرار مدیریت نشده صنایع، تأکید بر کشاورزی غیراصولی و پرمصرف و... روند بیابانی شدن ایران را سرعت بخشیده است. واقعیت این است که حالا دیگر بیابان‌زایی فقط پیشروی ماسه‌ها و خشکی کاریزها نیست، بلکه اُفت حاصلخیزی خاک و افزایش مهاجرت و همین‌طور افزایش شاخص بزهکاری و روند فزاینده افسردگی و ناامنی، از تبعات جدید بیابان‌زایی است. منابع آب زیرزمینی ما دارد تمام می‌شود، آلودگی هوا تشدید و زیرگونگی در ایران دچار تخریب بی‌سابقه‌ای شده است. همین تشدید فشارهای انسانی و خشکسالی در کنار تغییر اقلیم، در کشور نمود بیشتری پیدا کرده است. حوزه آبخیز دریاچه ارومیه، به‌طرز آشکاری با افزایش دما مواجه و افزایش دما سبب شده است میزان تبخیر هم بیشتر شود و ریزش‌های آسمانی مثل قبل کارکرد خود را نداشته باشد و اغلب به‌صورت باران و نه برف ببارد.

■ **نابودی ۱۸ میلیون اصله بلوط در غرب کشور**

ایران البته متأثر از «جهان گرمایی» است. تغییر اقلیم در ایران در کنار خشکسالی مدیریتی، روند ناکارایی سرزمینی را تشدید می کند. نمود این وضعیت را می‌توان در نابودی ۱۸ میلیون اصله بلوط در غرب کشور دید که آرام آرام خشک شده است. فشار بیش از حد حضور دام، کشت زیر اشکوب جنگل، بوته کنی، آتش‌سوزی، ورود ریزگردها و... از جمله مواردی است که در مناطق غرب و جنوب غرب کشور، به‌نوعی فقدان مدیریت بوم‌سازگانی را نشان می‌دهد. در همین شرایط، تأثیرات تغییر اقلیم را می‌توان در خشکی سرشاخه اصلی سفیدرود در شمال یا سیوند در جنوب کشور دید. خشکی رود پرآب سفیدرود در اردیبهشت‌ماه نشان می‌دهد چگونه ایران نیز در فرآیند جهان گرمایی و تغییر اقلیمی گرفتار شده است. با این حال باید به ساخت ۷۲ سد روی حوزه آبخیز ارومیه نیز اشاره کرد. آمار رسمی نشان می‌دهد ساخت این سدها، نظام آب‌شناختی آن را بر هم زده است. بنابراین همین خشکی فزاینده روند تخریب سرزمین ایران را تشدید می کند. شور بختانه اگر همین حالا هم ۷۲ سد آبخیز ارومیه را برداریم، نمی‌توانیم امیدوار باشیم که شرایط به حالت قبل برگردد، چرا که وضعیت ارومیه مثل کارخانه‌ای است که به‌خاطر رعایت نکردن اصول ایمنی، انگشتان کارگر انش زیر دستگاه‌ها قطع شده است و حالا مدیر با تجهیز کارخانه، می‌خواهد زیان ایجاد شده را جبران کند، غافل از اینکه هرگز انگشتان کارگران به حالت اول باز نمی‌گردد و کارخانه مجبور است با کارگران بی‌انگشت کار کند. خشک شدن هامون، گاوخونی، زاینده‌رود، پریشان، بختگان و... همه انگشتان قطع‌شده طبیعت ایران هستند.

■ **عدم تناسب در چیدمان توسعه کشور با توانمندی‌های بوم‌شناختی سرزمین**

خلاصه اینکه دو دلیل اصلی برای شیوع بحران «تشدید روند کاهنده کارایی سرزمین» یا همان بیابان‌زایی، در ایران وجود دارد. یکی این که چیدمان توسعه در کشور متناسب با توانمندی‌های بوم‌شناختی سرزمین نیست و دیگر این که کشور ما در عرض ۳۰ تا ۴۰ درجه نیمکره شمالی قرار گرفته و اینجا جایی است که به آن کمربند خشک جهان گفته می‌شود و نباید انتظار درآمد اقتصادی بالایی از منابع آب و خاک داشت. این کشورها نباید به منابع آب و خاکشان بیش از حد وابسته باشند، بلکه باید هر طور شده به سمت کاهش وابستگی معیشتی به این منابع حرکت کنند. واقعیت این است که خطر بیابانی شدن ایران بسیار زیاد است. نزدیک به یک سوم سکونتگاه‌های روستایی در کشور، خالی از سکنه شده است. اتفاقی که در ۱۹۶۰ در منطقه ساحل (صحرای آفریقا) افتاد. در ایران خیلی بی‌سر و صدا روستاها در حال خالی شدن و شهرها در حال فربه‌تر شدن هستند. باید در چیدمان توسعه تغییر ایجاد شود و این تغییر در گام نخست، محتاج تغییر در شیوه نگریستن ما به مفهوم توسعه است.

طرح روز

فلفل، مسبب امپریالیسم؛ موز، عامل فلاکت

تاریخ جور دیگری رقم می‌خورد اگر ادویه و میوه‌های خارجی به مذاق اروپا خوش نمی‌آمد

استیون کینزر
(نویسنده کتاب همه مردان شاه)

اندیشه جوان

دلیل اصلی یورش کشورهای ضعیف‌تر این است که می‌خواهند از آن چه ارزش داشتن دارد، بیشتر داشته باشند. در طول قرن‌ها، این چیزها طیف وسیعی را شامل می‌شده اند، از زن گرفته تا طلا، تا نفت و بالاخره غذا. ذائقه غذایی نقش مهمی در شکل دادن تاریخ داشته است. اگر مردمان کشورهای غربی به شکر، ادویه و میوه‌های استوایی اشتها پیدا نمی‌کردند، جهان احتمالا راه دیگری را می‌پیمود. در بیشتر تاریخ بشر، غذاها کسل کننده، یکنواخت و بی‌مزه بودند، اما وقتی اروپا پا در عصر جدید گذاشت، مردمش به دنبال مزه‌های جدید رفتند. ادویه‌های عجیب، شگفتی آن‌ها را برانگیخت. فلفل دلیل پیدایش امپریالیسم مدرن بود.

دو نیروی بازرگانی قدرتمند در اوایل قرن هفدهم سر برآوردند و تا نسل‌ها بعد جهان را در سیطره خود داشتند: کمپانی هند شرقی (مستقر در لندن) و کمپانی هلندی هند شرقی (مستقر در آمستردام). ثروت و گستره نفوذ آن‌ها از هر حکومتی در جهان بیشتر بود- مجهز به ارتش‌ها، نیروهای دریایی، ناوگان‌های بازرگانی، بنادر محروس، مزارع عظیم، نظام‌های حقوقی، زندان‌ها، واحدهای پولی، بستن پیمان. این کمپانی‌ها به مدد این اختیارات، که دولت‌های بریتانیا و هلند به آن‌ها داده بودند، سرزمین‌های پرت و دور افتاده را فتح کردند و بذر نزاع را در پهنه عظیمی از شرق سوئز پراکندند. غرض از تأسیس هر دوی این کمپانی‌ها آوردن فلفل به اروپا بود. نخستین جزیره‌هایی که این کمپانی‌ها مقهور خود ساختند‌شان، یعنی جزایر مَلوک، حالا جزئی از اندونزی هستند، اما تا مدت‌ها نزد غربی‌ها به جزایر ادویه شهره بودند. این مثال بسیار خوبی است که نشان می‌دهد چطور غذا می‌تواند دریچه‌ای شود برای نگریستن به سرزمین‌های بیگانه. اروپایی‌ها دیوانه فلفل و دیگر ادویه‌ها بودند. این یعنی که کشتی‌هایی باید به سوی دیگر جهان اعزام می‌شدند تا سرزمین‌هایی را اشغال و بومیان یاغی را سرکوب کنند.

نسل‌های بعدی اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها به دنبال شیرینی بودند. بازرگانان مقادیر عظیم شکر را، عمدتاً در قالب ملاس (شهد)، از کارائیب آوردند تا اشتهای آن‌ها را تأمین کنند. از سود حاصل کالاهایی خریدند و آن‌ها را با بردگانی از آفریقا مبادله کردند و بعد برده‌ها را به دنیای جدید آوردند. اگر نیاکان ما میل به غذای شیرین و نوشیدن چایشان با قند نمی‌یافتند، تجارت برده هرگز وجود نمی‌داشت. شکر دست کم در برکناری یک حکومت جهان، تنها عامل و دلیل بوده است؛ یعنی پادشاهی که بیشتر سال‌های قرن نوزدهم بر هاوایی حاکم بود. اولاد میسیونرهای نیوانگلند، بومیان هاوایی را بیرون راندند و از غصب زمین‌های آن‌ها مزارع عظیمی پدید آوردند، اما به سبب مانع تعرفه‌ای، نمی‌توانستند شکرشان را در آمریکا بفروشند. در سال ۱۸۹۳، با حمایت واشنگتن، پادشاهی بومی را برانداختند و رژیمی جدید، تحت زمامداری رئیس جمهور سنفورد دُول برپا کردند. پنج سال بعد، هاوایی به آمریکا پیوست. این اتفاق در های بازار شیرینی دوست آمریکا را به روی شکر هاوایی گشود و خاندان دُول با معرفی آناناس به آمریکایی‌ها- آن هم معاف از حق گمرک- ثروت هنگفتی به جیب زدند.

تولید یک میوه استوایی دیگر، یعنی موز، میراث بسیار تلخ‌تری بر جای گذاشت. تولید کننده اصلی این میوه، یونایتد فروت، در سال ۱۹۲۹ کارزار تبلیغاتی راه انداخت که می کوشید آمریکایی‌ها را قانع کند موز میوه‌ای سالم و مغذی است. در این کارزار موفق، سود بسیاری نصیب کمپانی یونایتد فروت شد. این کمپانی در پهنه وسیعی از کوبا یا کلمبیا، نماد سرکوب، کنترل حکومت‌های فئودال و به بار آوردن فلاکت برای جوامع این سرزمین‌ها بود. از نقاشی‌های دیه گو ریورا تا رمان‌های گابریل گارسیا مارکز، کارگران رنجور صنعت تولید موز و سرکوب آن‌هایی که برای تشکیل اتحادیه تلاش کرده بودند، رکن اساسی فرهنگ عامه آمریکای لاتین شد.

یکی از بی‌رحمانه‌ترین کودتاهایی که آمریکا تاکنون ساخته و پرداخته است، زیر سر تولید کنندگان موز بود؛ به‌ویژه، یونایتد فروت. در سال ۱۹۵۲، گواتمالا، پس از آن که پای در دوره‌ای از حاکمیت دموکراتیک گذاشت، پیشگام وضع قانون اصلاحات ارضی شد که دست و پای یونایتد فروت را می‌بست. کمپانی از واشنگتن طلب کمک کرد. دو نفر از وکلای سابق این کمپانی، جان فاستر دالس و آلن دالس، به ترتیب، وزیر امور خارجه و رئیس سیا شدند. آن‌ها کودتایشان را در ۱۹۵۴ اجرا کردند. اصلاحات ارزی برچیده شد، اتحادیه‌های کارگری منحل شدند و گواتمالا وارد جنگ داخلی سی و شش ساله‌ای شد که جان دویست هزار نفر را گرفت. اگر آمریکایی‌ها از موز خوش‌شان نمی‌آمد یا می‌دانستند که این موزها چطور تولید می‌شوند، شاید می‌شد جلوی این تراژدی را گرفت.

امروز ما مواد غذایی تولید داخل را ارزشمند می‌دانیم. باید همین اصل را در روابطمان با کشورهای دیگر هم به کار بندیم. اسمش را بگذارید سیاست خارجی «بومی طلب». قبل از آن که به دنبال منابع دور دست برویم، نگاهی به سرزمین خودمان بیندازیم، بدانیم که عادت‌هایمان چه تأثیری بر جهان می‌گذارد و اجازه ندهیم که تغییر ذائقه ما محرک مناقشه خارجی شود.

سرخ

سفرژی جین‌پینگ به بریتانیا، برای دیوید کامرون عواقب دارد. به‌محض این که زمزمه‌های این سفر به گوش انگلیسی‌ها رسید، گروه‌های حقوق بشری این کشور دست به اعتراض زدند که چین را به انگلیس چه کار. آنها معتقدند دولت چین ناقض حقوق بشر است، آزادی بیان در این کشور محلی از اعراب ندارد، دولتِ تک‌صدایی است، در چین حقوق شهروندی مفهومی ندارد و... بنابراین کشوری که رسانه‌ها در آن آزادند و دولت با رأی مردم انتخاب می‌شود، نباید میزبان چین باشد. اما دیوید کامرون چه کند! پای چند صد میلیارد پوند در میان است. دیوید کامرون چه کند؟! چین گردانندهٔ بازار جهانی است و نمی‌شود از پول گذشت. این شد که هفته‌نامه WEEK این طرح جلد را تدارک دید و نخست‌وزیر را یکه‌وتنها در حال گستردن فرش قرمز زیر پای ژی به تصویر کشید. بله! کامرون باید مقابل چین کمر خم کند تا آن چند صد میلیارد پوند را به جیب بریتانیا بریزد.

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده کانون بازنشستگان دادگستری خراسان رضوی نوبت اول

به منظور تأیید و تصویب مجدد اساسنامه پیشنهادی وزارت کشور برای کانونهای بازنشستگان بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم کانون بازنشستگان دادگستری خراسان رضوی دعوت می شود در جلسه مجمع عمومی فوق العاده که مورخه پنجشنبه ۹۴/۸/۲۱ ساعت ۱۶/۳۰ در محل نمازخانه دادگستری مشهد واقع در بلوار مدرس تشکیل می گردد، حضور بهم رسانند. ضمنا اعضاء محترمی که امکان حضور برایشان فراهم نیست، می توانند نماینده خود را کتبا معرفی فرمایند.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیئت مدیره
۲- تائید و تصویب اساسنامه

طاهر طاهری انارکی -رئیس هیئت مدیره کانون بازنشستگان خراسان رضوی

۹۴۳۳۵۷۲۱/ف

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی کانون بازنشستگان دادگستری استان خراسان رضوی (نوبت اول)

نظر به انقضاء مدت و مهلت قانونی و پایان مسئولیت هیئت مدیره بدین وسیله از کلیه اعضاء محترم کانون بازنشستگان دادگستری استان خراسان رضوی دعوت می شود در جلسه ای که روز پنجشنبه ۹۴/۸/۲۱ ساعت ۴ بعدازظهر در محل نمازخانه دادگستری واقع در مجتمع قضائی امام خمینی (ره) تشکیل می گردد حضور بهم رسانند. ضمنا اعضاء محترمی که امکان حضور برایشان فراهم نیست می توانند کتبا نماینده خود را معرفی نمایند.

دستور جلسه:
۱-استماع گزارش عملکرد هیئت مدیره
۲-ارائه ترازنامه مالی کانون
۳-استماع گزارش بازرس کانون
۴-انتخاب اعضاء هیئت مدیره و بازرسان اصلی و علی البدل

طاهر طاهری انارکی
رئیس هیئت مدیره کانون بازنشستگان خراسان رضوی

۹۴۳۳۵۷۴۸/ف

فراخوان مزایده

دانشگاه علوم پزشکی مشهد در نظر دارد ارائه خدمات بخش رادیولوژی و سونوگرافی و سنجش تراکم استخوان درمانگاه سرپایی بیمارستان امام رضا (ع) را از طریق انجام مزایده عمومی به صورت اجاره محل و مشارکت به بخش غیردولتی واگذار نماید. اشخاص حقوقی و حقیقی واجد شرایط می توانند ظرف مدت هفت روز از تاریخ درج آگهی به دبیرخانه بیمارستان مذکور واقع در مشهد - خیابان دانشگاه - روبروی خیابان کفایی و یا به سایت مناقصه ها و مزایده های دانشگاه به آدرس الکترونیکی http://cft.mums.ac.ir و همچنین پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به آدرس الکترونیکی http://iets.mporg.ir مراجعه و برگ شرایط مزایده را دریافت و حداکثر ده روز پس از پایان مهلت دریافت، تحویل نمایند. قابل ذکر است:
- تضمین شرکت در مزایده فوق مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال ضمانتنامه بانکی می باشد.
- کلیه پیشنهادات رسیده حداکثر ده روز پس از پایان مهلت ارسال مدارک در محل دفتر نماینده رییس دانشگاه بازگشایی و قرائت خواهد گردید.
- هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می باشد.

۹۴۳۳۵۵۹۳/ل

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

فراخوان مناقصه عمومی (ارزیابی کیفی)

نوبت اول

شماره مجوز: ۱۳۹۴/۳۹۲۶

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب

مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره م م / ۹۴/۰۱۳۶ مربوط به به روز نمودن کلیه اطلاعات و نقشه های مربوط به خطوط لوله اصلی نفت، گاز و گاز مایع در سطح شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران

الف- شرح مختصر خدمات: این پروژه مشتمل بر تهیه نقشه پلان- پروفیل از خطوط لوله نفت و گاز، تهیه نقشه های ایزومتریک از تسهیلات تولید و ایستگاه های پمپاژ، تعیین مسیر خطوط لوله زیرزمینی با دستگاه های لوله یاب، تهیه اطلاعات مکانی و توصیفی طبق فرمت مورد نیاز و تهیه و به روز رسانی شناسنامه خطوط لوله بر اساس نیاز کارفرما می باشد.

ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار: محل اجرای خدمات در محدوده شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران و مدت انجام آن ۲۴ ماه می باشد.

ج- برآورد کارفرما: برآورد کارفرما جهت انجام خدمات ۱۹/۰۳۸/۳۱۹/۲۲۰/- ریال می باشد.

د- شرایط مناقصه گران متقاضی: (مناقصه گران دارای گواهی صلاحیت مشاور با حداقل پایه ۱ گرایش نقشه برداری زمینی با مشارکت مشاوران حداقل پایه ۱ گرایش نقشه برداری فتوگرامتری و یا مشاورانی که هر دو صلاحیت را با هم (توأم) دارا باشند) و مناقصه گران می بایست حداقل ظرفیت خالی مجاز جهت شرکت در مناقصه را دارا باشند.

ارائه یک نسخه تأیید شده از صورتهای مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضای جامعه حسابداران رسمی الزامیست

هـ- محل، زمان و مهلت دریافت مدارک مناقصه گران: از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت میشود حداکثر ظرف ۱۰ روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم، آمادگی خود را بصورت کتبی به یکی از آدرس های ذیل الذکر اعلام مدارک ارزیابی کیفی وفق بند «ج» ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات (ارزیابی کیفی) اقدام نمایند.

ضمناً می بایستی ظرف مدت ۱۴ روز اطلاعات مورد درخواست در قالب یک عدد زونکن مدارک ارزیابی کیفی برابر اصل شده و یک حلقه لوح فشرده تهیه و به آدرس های ذیل در مقابل رسید تحویل گردد. بدیهی است کارفرما این حق را برای خود محفوظ میدارد به مدارکی که پس از انقضاء مهلت مقرر ارائه می گردد ترتیب اثر ندهد. ضمناً پس از بررسی های لازم اسناد مناقصه به متقاضیان واجد شرایط تحویل داده خواهد شد.

نشانی محل اعلام آمادگی و دریافت اسناد: اهواز، کوی فدائیان اسلام، خیابان پارک ۴ (روبروی امور مسافرت)، مجتمع اداری امور حقوقی و قراردادها، اتاق کنترل و توزیع اسناد قراردادها (اتاق شماره ۱) و یا تهران، میدان آرژانتین، ابتدای خیابان بیهقی، پلاک ۲۸، ساختمان مرکزی یازدهم، شرکت ملی نفت ایران، طبقه دوم، دفتر هماهنگی امور حقوقی و قراردادهای مناطق نفتخیز جنوب

همزمان ارائه معرفی نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکتها در همه مراحل لازم و ضروری می باشد.

تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه از اساسنامه، شرکتنامه و آگهی تاسیس و آخرین تغییرات ثبتی الزامی می باشد.

(WWW.IETS.MPORG.IR x WWW.SHANA.IR x WWW.NISOC.IR)

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۰۸/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۰۸/۱۰

۲۲۱

۹۴۳۳۶۳۹۵/ت

روابط عمومی شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب